



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۴/۰۶

محمدآصف فقیری

## گوهر در عرض

**گوهر در عرض یعنی: روح در جسم و گوهر روح بی نیازست که نیازمندی جسم به آن، و سوال اینجاست: جسم خاکی جوهری می شود؟**

### جسم خاکی و پرتو نور:

در عرفان گوهری شدن جسم را، نور اندر نور می دانیم، و این سیر خاکی گوهری یا نوری در مخلوقات به انسان خاص شده، حتی جبرئیل و میکائیل مقام ثابت دارند نه شتابی بسوی تکامل لامنتهی ... البته حیات دنیایی نسبی می باشد زیرا کیفیت و لذت حقیقت در دنیا به مانند قطره و گاهی در اوج، اما بعد سفر از دنیا، قطره ها به دریا مبدل می شود. مانند اینکه: ماهی بدور از آب زنده می باشد ولی نسبی و در تگاپو رسیدن به دریاست که عین رسیدن به دریا یا بعد سفر ما از این دنیا مستغرق حقیقت یا نور اندر نور، چون قطره به دریا مبدل میشود.

اما عمق غفلت اینکه: ماهی بدور از دریا ولی بی خبر و نادان از دریا و تنزل این نادانی و مردن در جسم خاکی نه گوهری، چون در سیاست انسان مستبد و در جامعه فاسق که دیگر اعضاء جامعه از موجودیش در اذیت و عذاب... البته سفر از من منفور بسوی من مقبول یا در من مقصود، نفی خود در اثبات او شدن، نیز در مردن اندر مردن همانا حدیث گرانبهای آنجناب: موتوا قبل ان تموتوا یعنی بمیرد قبل مُردن از دنیا چون ظرفیت و عمق حکمت را، در این مردن در دنیا حاصل، تا از دنیا رفتید، از لذت بی پایان، بیشتر و بیشتر یا نور اندر نور که لامنتهی می باشد، مستفید گردید.

و دیگر اینکه یا به مانند اینکه: آفتاب و نور آن، از خاک عبور نمی کند و جسم خاکی را، نیز ظرفیت داده شده که از پرتو نور اندر نور شدن توقف نمی کند - از این جهت می باشد هیچ نبی و ولی را، مقام در دنیا نیست که از عبادت الله فارغ و متوقف شود.

چندین صفات ذاتی را، جسم گوهری نوری دارا می شود که پدیدار می گردد: کاریزما یا تاثیرگذار، از مبداء تا نتیجه در مقدم همانا استنتاج یعنی حکیم از حکیم مطلق یا عقل کل، و از اینکه گوهر بخود متکی بوده، برخی چنین پدیداری را، غرور و خودخواه تلقی می کند در حالیکه خودخواهی و استبداد را، در سیاست می توان دانست، که مستبد از همه خودرا برتر می داند، در حالیکه از همه غلام ترست چون غلام نفس خود شده و چنان فرو رفته که از گور بودن خود نیز غافل است و حقا که قدم اول دانایی، شناسایی جهل موجود می باشد.

**نوت:** در فلسفه ماور الطبیعه و مابعد الطبیعه در عرفان اسلامی چون روز الست و معیاد بقدر استعداد در جسم خاکی که در سیر گوهری نوری است قابل بینش می باشد - که در دنیا فزیک مانند دیگر مخلوقات غیر قابل تجربه می باشد، که با مایکروسکوپ انرا مطالعه کرد. از طرفی در عرفان اسلامی: شریعت و طریق اسرار یا حقیقت و کیفیت و لذت آن، از وجود واحد بی عدد در جسم خاکی که بسوی گوهری نوری در سیر است، می تابد و شریعت تا کیفیت چون پدیده های فزیک از هم جدا نیست و وصل اندر وصل بوده، و هجران و فصل یا سردی و عدم آرامش و پدیداری آن به مانند استرس و افسردگی به گونه صفر در این وصل منتفی می شود.

د پاپو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

### ز نقش خواجهگان!

بند آزادی بستم، ز اسم ذات به ذات  
نه دو در وحدت، یک تاک و نبات  
هیچ و بی میانم، خود هویتش گویان  
در چنین مقام، پی باخت باید ساخت  
پیگرد تحولست، کاندرا تلاطم به روح  
چندی یک رنگم، کز ید عشق بافت  
مرکب امر و خلق، یک جسم بگنجانند  
افضل و جوهر دید، تا روح منور تافت  
زهر فراق نوشی، تا در فرق گل‌های  
خوش حُسن بهر بویش، کز فانی مرشدم یافت  
گنج به فقیری، مبارک چو در فقر  
هم آغوشی جانان، زره خود آفتاب خواست

---

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ